

مورخ ۳۱ آگوست ۱۹۱۴ در مقام اعلی در حیفا: درباره مذمت

خودپسندی

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



مورخ ۳۱ آگوست ۱۹۱۴ در مقام اعلی در حیفا:
درباره مذمت خودپسندی^۱

(خطابات جلد سوم، ص. ۱۰۵-۱۰۷)

هو الله

خوب مجلسی است، بسیار محفل روحانی است، مجلسی است مرتب و منظم. در این عالم مجمع های بسیار تشکیل می شود، ولی ترتیب و تنظیم ندارد و در میان اعضاء اختلاف آراء موجود. الحمد لله قلوب جمیع اعضاء این انجمن به همدیگر متحد است و کل را نیت و مقصود یکی است، هیچ آثار افکار مختلفه در

^۱ نطق مبارک در حیفا در مقام اعلی یوم نهم شهر شوال المکرم ۱۳۳۲



ORIGINAL



AUDIO

میان آنها نیست. امیدوارم که روز به روز برای این انجمن ترقیات فوق العاده حاصل گردد و صعود در جمیع مراتب وجود نمایند، چه در توجّه الی الله، چه در فضائل معنویّه و چه در علوم و فنون اکتسابیّه، در جمیع درجات ترقّی نمایند و ابدأً افکار مختلفه و آراء متنوّعه در میان نیاید. زیرا جمیع مشکلاتی که حاصل می شود، از افکار مختلف است، از انانیت و خود پسندی است و این انانیت و خود پسندی سبب جمیع اختلافات است.

هیچ آفتی در عالم وجود مثل خود پسندی نیست و آن این است که انسان دیگران را نپسندد. و خود را نپسندد. خود پسندی عجب می آورد، تکبر می آورد و غفلت می آورد. هر بلائی که در عالم وجود حاصل می شود، چون درست تحرّی بکنید، از خود پسندی است. ما نباید خود را نپسندیم، بلکه سائرین را بهتر بدانیم، حتّی نفسی که مؤمن نیستند، زیرا حسن خاتمه مجهول است. چه بسیار نفسی که حال مؤمن نیستند و روزی بیاید که ایمان آورند و مصدر خدمات عظیمه شوند و چه بسیار نفسی که حال ایمان دارند، ولی در آخر حیات غافل از حقّ گردند. ما باید هر نفسی را بر خود ترجیح دهیم و اعظم و اشرف و اکمل ببینیم،

ولی به مجرد اینکه خود را از دیگران ممتاز ببینیم، از طریق نجات و فلاح دور شده ایم. این از نفس اماره است که هر چیزی را به نظر انسان بد می نمایاند، به غیر از نفس خود انسان و به این واسطه، او را در چاه عمیق ظلّماء که ته ندارد می اندازد. هر ساعتی یک ظلمی را به نظر انسان عدل می نمایاند، یک ذلّت محض را شرف کبری ابراز می کند، یک مصیبت عظمائی را آسایش بی منتهی جلوه می دهد. و چون خوب تحقیق می کنیم، می بینیم این بئر ظلّماء، خود پسندی است. زیرا انسان اطوار و رفتار و اقوال دیگران را نمی پسندد، بل احوال و آداب و شئون خود را می پسندد. خدا نکند که در خاطر یکی از ما خود پسندی بیاید؛ خدا نکند، خدا نکند، ما ما باید وقتی که به خودمان نگاه می کنیم، ببینیم که از خود مان ذلیل تر، خاضع تر، پست تر، کسی دیگر نیست و چون به دیگران نظر بیندازیم، ببینیم که از آنها عزیزتر، کامل تر، دانا تر، کسی نیست. زیرا به نظر حقّ باید به جمیع نگاه کنیم باید آنها را بزرگوار ببینیم و خود را خوار و هر قصوری که در نفسی می بینیم آن را از قصور خود دانیم، زیرا ما اگر قاصر نبودیم، آن قصور را نمی دیدیم. انسان باید همیشه خود را قاصر و دیگران را کامل ببیند. من باب تنبّه می گویم؛ گویند حضرت مسیح روحی له الفدا روزی با حواریون بر حیوان مرده ای گذشتند. یکی گفت این حیوان چقدر متعفن است، دیگری گفت چگونه صورت قبیح یافته، دیگری گفت چقدر مکره است. حضرت مسیح فرمودند ملاحظه به دندانهای او نمائید، چقدر سفید است. ملاحظه کنید که هیچ عیوب آن حیوان را حضرت مسیح ندید، بلکه

تفتیش فرمود تا ملاحظه کرد که دندانش سفید است. همان سفیدی دندان را دید، دیگر از پوسیدگی و تعفن و قبح منظر او چشم پوشید. این را بدانید، در قلبی که ذره ای نورانیت جمال مبارک هست، کلمه من از لسانش جاری نمی شود، یعنی کلمه من که دلالت بر خود پسندی کند، که من چنین و چنان کردم، من خوب کردم فلانی بد کرد. این کلمه انانیت ظلمتی است که نور ایمان را می برد و این کلمه خود پسندی به کلی انسان را از خدا غافل می کند.

هوایابی ای پروردگار توانا این بندگان ناتوانت را از قیود هستی آزادی بخش و از دام خود پسندی رهایی ده جمیع ما را در پناه عنایت منزل و مأوی ده و کلّ ما را در کهف حفظ و حراست و انقطاع و حریت از شئون نفس و هوی نجات بخش تا جمیع متفق و متحد شده، در ظلّ خیمه یکرنگ تو آئیم و از صراط گذشته، در جنت ابی وحدت اصلیه داخل گردیم. انک انت الکریم انک انت الرّحیم لا اله الا انت القویّ القدیر ع

